



5 نوامبر 2021

داکتر سید عبدالله کاظم

## آی اس آی و حمایت از گروپ حقانی

در روز 25 اگست پس از آنکه اشرف غنی و دستیارانش ارگ را به مقصد فرار از کشور ترک کردند، اولین کسانی که داخل ارگ شدند، بیشتر به گروپ حقانی تعلق داشتند. این سؤال که چگونه گروپ حقانی مقدمتر از گروپ طالبان "عمری" توانست در کابل نفوذ کند و در یک لحظه حساس خود را به ارگ ریاست جمهوری برساند، در جواب به این سؤال گفته می شد که چندی قبل اشرف غنی به حمدالله محب مشاور امنیت ملی و یکی از معتمدترین اشخاص خود هدایت داده بود تا به خوست سفر کند و با حقانی ها به تماس شود و در صورتیکه امریکائی ها رئیس جمهور را مجبور به استعفی سازند و بخواهند زمینه دخول طالبان "عمری" را به شهر کابل فراهم سازند، بهتر خواهد بود تا طالبان منسوب به گروپ حقانی اولتر از آنها به کابل آمده و قوتهای خود را در نقاط مهم شهر جابجا کنند.

بعد از فرار اشرف غنی واقعاً همین کار صورت گرفت و آنها توانستند قبل از طالبان عمری به ارگ داخل شوند. مخالفان چنین شایع ساختند که گویا در جابجا ساختن قوتهای حقانی در کابل اشرف غنی زمینه سازی کرده و آنها به دلیل اینکه چون طالبان عمری بیشتر با امریکائی ها در تفاهم بوده اند.

چند روز بعد از سقوط نظام جمهوری و تسلط طالبان در کشور آنها روی تشکیل کابینه و تقسیم مقامات ارشد بین خود دچار مشکل شدند، تا آنکه دفعتهاً سرو کله جنرال فیض حمید رئیس آی اس آی در کابل نمایان گردید. ورود غیر مترقب او این شایعه را تقویت کرد که گویا هدف آمدنش به کابل حل مشکل طالبان در تقسیم قدرت و مقام ها بود. چنانچه او موفق شد تا این معضله را طوری حل کند که بجای ملا عبدالغنی برادر که باید به حیث "رئیس الوزرا" تعیین می شد، شخص دیگر را با موقف میانه بین دو گروپ بنام ملا محمدحسن آخوند به آن مقام نصب کند و ملا برادر به حیث یکی از معاونین او بگمارد و در عین زمان وزارت داخله به حقانی و وزارت دفاع به ملا یعقوب پسر ملا عمر رهبر پیشین طالبان تعلق گیرد.

در همین وقت شایع شد که در مجلس منعه در ارگ بین گروپ عمری و گروپ حقانی علاوه بر جدال لفظی برخورد مسلحانه نیز صورت گرفته و در اثر آن چند نفر از طرفین زخمی شدند و گفته شد که در بین زخمی شدگان جنرال فیض حمید رئیس آی اس آی نیز شامل بود. این شایعه وقتی فروکش کرد که پاکستان شخص دیگری را در راس اداره آی اس آی گماشت و فیض حمید به حیث قوماندان قول اردوی پشاور تعیین گردید و نیز گفته شد که تبدیلی او به دلیل اختلاف نظریں صدراعظم و بعضی از نظامی های ارشد پاکستان صورت گرفته است. در اوایل ماه سپتمبر وقتی قریشی وزیر خارجه پاکستان به کابل آمد، جنرال فیض حمید نیز از جمله هیئت معیتی او بود.

در ارتباط با موضوعات فوق که سؤالهای زیادی را در اذهان عموم بخصوص تحلیلگران سیاسی خلق کرده بود، دو روز قبل (مورخ 3 نوامبر) یک مقاله بسیار دلچسپ تحت عنوان "هزینه مهندسی کابینه طالبان برای پاکستان" نظرم را جلب کرد که بقلم داؤد ناجی مشاور پیشین شورای امنیت ملی افغانستان و تحلیلگر مسایل سیاسی نوشته شده و در صفحه مخصوص بی بی سی فارسی "ناظران چه

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلښکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خیر و لولئ

میگویند؟" به نشر رسیده بود که بعضی زوایای تاریک این موضوع را بیشتر روشن می ساخت. برای مزید معلومات خواستم این نوشته را از آن صفحه برگرفته و تقدیم علاقمندان نمایم:

### هزینه مهندسی کابینه طالبان برای پاکستان

داوود ناجی -

بی بی سی

۱۲ آبان/میزان ۱۴۰۰ - ۳ نوامبر ۲۰۲۱

ژنرال فیض حمید، رئیس استخبارات ارتش پاکستان ماه پیش از این سمت به فرماندهی سپاه پیشاور منتقل شد. برخی از رسانه‌ها و تحلیلگران این تغییر را برای ژنرال حمید، گامی به جلو و آمادگی برای گام‌گذاشتن او به فرماندهی ستاد مشترک ارتش که قدرتمندترین مقام نظامی و سیاسی در پاکستان است، ارزیابی کردند.

اما این جابجایی می‌تواند نشانه‌ای از اختلاف دیدگاه در سطح بالای مقامات لشکری و کشوری پاکستان در مورد افغانستان و به نحوی کنار زده شدن آقای حمید نیز باشد. برای فهم این مساله باید از مسایل جاری افغانستان و پاکستان کمی فاصله بگیریم و کلیت درگیری پاکستان با مساله افغانستان را بعنوان یک روند ممتد و طولانی با پیامدهایی که برای اسلام‌آباد داشته است، بنگریم.

پاکستان در جنگ سرد، متحد غرب بود و در این سال‌ها پول‌های گزافی را برای بسیج و هماهنگی گروه‌های مجاهدین که علیه اتحاد شوروی سابق می‌جنگیدند، دریافت می‌کرد.

این کمک‌ها پس از یازدهم سپتامبر و با آغاز آنچه مبارزه با تروریسم نامیده شد، نیز ادامه یافت. پاکستان از بدو تاسیس خود در ۱۹۴۸ تاکنون و بخصوص تا سال ۲۰۱۶ میلادی، صدها میلیارد دلار کمک تنها از آمریکا دریافت کرده که بیشترین آن در سال‌های حضور ارتش سرخ در یک مرحله و حضور ناتو در افغانستان در مرحله دیگر بوده است.

اما این کمک‌ها از سال ۲۰۱۸ متوقف شد که در نتیجه آن پای چین به اقتصاد پاکستان بیشتر باز شد، چیزی که از یک طرف وابستگی اسلام‌آباد به کمک‌های غربی را جبران کرد ولی از سوی دیگر اسلام‌آباد می‌دانست که پول‌های چین مانند کمک‌های غرب که عمدتاً بلاعوض بودند، نیست و افزایش آن با توجه به تجربه سرمایه‌گذاری چین در سایر نقاط جهان، از جمله آفریقا، نشان داده بود که هر قدر پای چین به اقتصاد کشوری باز شود، تولید داخلی، اشتغال‌زایی و سرمایه‌گذاری ملی آن کشور، به شدت زیر سایه نهادهای چینی قرار می‌گیرند و آن کشور دیگر نمی‌تواند به آسانی خود را از آسیب‌های احتمالی عدم همکاری چین مصون نگهدارد.

در چنین شرایطی، اسلام‌آباد ناچار باید جایگزینی برای کمک‌های دست و دل‌بازانه غرب پیدا می‌کرد تا از لحاظ اقتصادی بیش از آنچه اکنون هست، به چین وابسته نشود.

یکی از راه‌های افزایش درآمد نسبتاً مطمئن برای پاکستان، تجارت این کشور با آسیای میانه است و این امر زمانی میسر است که افغانستان امن و هر چه بیشتر تحت کنترل پاکستان باشد تا کاروان کالاهای پاکستانی و چینی از بنادر پاکستان در کراچی و گوادر بدون درد سر به آسیای میانه برسند و از آن طرف نیز انرژی آسیای میانه (برق و گاز) بدون خلل و حتی با کمترین هزینه از طریق افغانستان، به پاکستان منتقل شود.

د پانو شمیره: له 2 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیرلو مخکي په خیر و لولئ

بازی پرخطر و دوگانه پاکستان با غرب که هم متحد غرب در مبارزه با تروریسم بود و هم به طالبان کمک می‌کرد، دلخوری و ناراضی‌گری غرب را چنان زیاد کرد که آمریکا در سال ۲۰۱۸ کمک‌هایش را به این کشور قطع کرد و پاکستان بعد از ۲۰ سال با اهرم طالبان وارد شد تا از این طریق بتواند مفری برای اقتصاد رانتهی و شکننده‌اش پیدا کند.

مهمترین چالش فراروی پاکستان اما بدل کردن طالبان از یک گروه شورشی ایدیولوژیک و جنگجو به یک دولت مقتدر در داخل، همسو با پاکستان در سیاست خارجی و مورد قبول جهان بود، چالشی که در دوران مذاکرات دوحه حل شدنی به نظر می‌رسید اما پس از تسلط طالبان بر کابل دشوار شد و با گذشت هر روز دشوارتر نیز می‌شود.

این دشواری به حدی است که مقامات پاکستان را عصبانی کرده و عصبانیت توام با استیصال مقامات غیرنظامی از جمله عمران خان نخست وزیر و محمود قریشی وزیر خارجه پاکستان از خودداری جهان در به رسمیت شناختن حکومت طالبان را بوضوح می‌بینیم. این عصبانیت و استیصال به حدی است که آنها گاهی حتی آداب دیپلماتیک را کنار گذاشته و در سفرهای خارجی و مجامع بین‌المللی در هیات نخست‌وزیر و وزیر خارجه طالبان ظاهر شده‌اند. سخنرانی عمران خان در مجمع عمومی تقریباً چیزی در مورد کشور خودش نداشت و بر ضرورت شناسایی حکومت طالبان از سوی دنیا متمرکز بود.

مهمترین و می‌توان گفت تنها عاملی که پاکستان را در دقیقه نود از رسیدن به هدف اصلی دور کرد، اقدامات تندروانه سازمان استخباراتی پاکستان (آی اس آی) در کل و شخص فیض حمید، بصورت خاص بود.

حالا به وضوح معلوم شده که حمید و اداره تحت امرش در زمانی که جهان مشغول چانه‌زنی سیاسی با رهبران سیاسی طالبان در قطر بودند، شبکه حقانی را برای گرفتن تمام و کمال قدرت در کابل آماده می‌کرده است. رویکرد صرفاً اطلاعاتی\_نظامی آی اس آی در قبال افغانستان سبب شد که این اداره چهره‌هایی از طالبان را که در قطر با مقام‌های کشورهای دیگر معاشرت کرده بودند، به مسکو و تهران سفر کرده بودند و مدت طولانی با آمریکایی‌ها و مقامات کشوری و لشکری قطر در تماس بودند، مهره‌های غیرقابل اعتماد تلقی کنند که ممکن است یارگیری‌های جدید کرده باشند و پاکستان دیگر گزینه اول و آخر آنها نباشد.

توفیق طالبان در تسخیر شهرهای کلان و سرانجام کابل، اداره تحت مدیریت حمید را به درستی راهی که رفته بود چنان مطمئن کرد که بعنوان رئیس آی اس آی، بازیگری پشت پرده را که سنت پذیرفته شده ادارات استخباراتی است و آی اس آی نیز سال‌ها از اصول آن پیروی کرده بود کنار زد و با ژست و ادای منحصر به فرد آنهم در شرایطی که افغانستان زیر ذره بین تمام جهان و رسانه‌ها بود، در هتل سرینای کابل ظاهر شد و کابینه موقت طالبان را با دست خود چید.

فیض حمید، در این مدیریت و چیدمان شبکه حقانی را بر تمامی امور مسلط کرد و شاخص‌ترین چهره‌های طالبان از جمله ملا برادر را در حد معاون رئیس الوزرا که جایگاه تعریف نشده و تشریفاتی بود، تنزل داد. در این میان تنها سکان‌داری وزارت خارجه را با چشم داشت اینکه تیم قطر طالبان روابطی با دیگر کشورهای منطقه نیز دارند، به امیرخان متقی واگذار کرد.

فیض حمید که احساس می‌کرد سیاست عمق استراتژیک اسلام‌آباد در قبال کابل پس از حدود ۳۰ سال، ظفرمندان به سرانجام رسیده است، دلیلی نمی‌دید که اعلام رسمی آن را با حضور دراماتیک در کابل به تاخیر بیاندازد و مرحله دوم این سیاست یعنی تشکیل دولت دلخواه پاکستان را به دست خود کلید نزند و آن را به جهان و منطقه اعلام نکند. ولی برخلاف تصور آقای حمید این آخر بازی نبود و اقدامات او پاکستان را از رسیدن به آنچه می‌خواست و قریب‌الوقوع بود، دور کرد.

در بیرون از سازمان استخبارات نظامی پاکستان اما مساله فرق می‌کرد. از دید مقامات غیرنظامی که از قضا قمر باجوا، رئیس ستاد مشترک نیز با آن‌ها همسو بود، پاکستان باید با احتیاط بیشتری قدم بر می‌داشت. همگرایی نسبی چین، روسیه، ایران و قطر که با زحمات زیادی در دوران مذاکرات قطر جلب شده بود، باید حفظ می‌شد و آمریکا و سایر کشورهای غربی نیز مدتی دیگر با روایت دروغین "طالبان تغییر کرده اند" حداقل تا زمان به رسمیت شناخته شدن طالبان از سوی جهان، اغفال می‌شدند. اما فیض حمید با حضور در کابل و چینش کابینه طالبان، این بازی را به هم زد و به همین دلیل از ریاست مهم‌ترین نهاد تاثیرگذار پاکستان کنار گذاشته شد.

همسویی قمر باجوا با مقامات سیاسی را از اینجا می‌شود فهمید که بدون نظر موافق او، کنار گذاشتن فیض حمید، ممکن نبود.

قمر باجوا، بعنوان کسی که تجربه تحصیل در کانادا و کالیفرنیا را نیز دارد - زمانی سکندار ستاد ارتش پاکستان شد که رابطه کشورش با متحدان غربی و منطقه‌ای بخصوص آمریکا و عربستان که از بدو تاسیس پاکستان تاکنون مثل گاو شیری برای پاکستان بودند، خدشه‌دار شده بود. او و رهبران سیاسی پاکستان خوبی می‌دانند که حمایت غرب برای پاکستان بخصوص حمایت مالی آن‌ها را نمی‌شود به سادگی جبران کرد.

در عین حال، برخی سیاستمداران پاکستان معتقدند که سیاست حمایت از ستیزه‌جویی و بنیادگرایی هزینه‌اش بیشتر از سودش بوده و با توجه به افزایش حملات تحریک طالبان پاکستان پس از تسلط طالبان افغان بر کابل، حمایت از گروه‌های بنیادگرا، آینده پاکستان را نیز به وضوح در معرض تهدید بنیادگرایی قرار داده است.

وضعیت سیاسی و اقتصادی پاکستان کنونی، محصول سیاست حمایت از بنیادگرایی از طریق گروه‌های ستیزه‌جو و پیکار جو است. وضعیتی که پاکستان را از دید منطقه شریک غیرقابل اعتماد از دید چین، طعمه چرب راحت الحقوم و از دید غرب کشور سزوار رفتن به انزوا و تنبیه ساخته است.

رهبری این سیاست در ۴ دهه گذشته به دست 'آی اس آی' بوده است. چیزی که حالا هم نظامیان میان‌رو مانند باجوا و هم بیروکرات‌های پاکستان، ادامه آن را غیر ممکن می‌دانند. (پایان نوشته داؤد ناجی)

---

د پاڼو شميره: له 5 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بني پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليرلو مخکې په خير و لولئ